بررسی بازرگانی کشورهای مسلمان

ارشادی، شمسی

تعاون و همکاری در کشورهای‏ اسلامی حرف نخست اسلام است.قران‏ کریم برای نشان دادن اهمیت همکاری و وحدت همچون ابزار موثری برای فهم‏ اهداف اقتصادی-اجتماعی فرد فرد جامعه و یا کل جوامع با ذکر آیه‏ء

" و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا"

( به ریسمان خداوند باهم چنگ زنید و متفرق نشوید.)کلمه تعاون و مشتقات آن‏ را در مکانهای مختلف تائید کرده است.

علاوه بر آن در اسلام توجه خاصی به حل‏ مسائل و مشکلات انسانها از طریق‏ برادری و همکاری،شده است.

در حقیقت یکی از خصوصیات مهمی‏ که اسلام را با سایر مذاهب مقایسه کرده‏ است مفهوم جامعه برادری با ساختارهای‏ اجتماعی است.علاوه بر آن،برخلاف‏ جامعه غربی،اجتماع در اسلام به گروه‏ خاصی از مردم در یک مکان خاص و یا یک منطقه گفته نمی‏شود،بلکه مفهوم‏ عظیم‏تری دارد.یعنی بعد مکان و یا ملیت مفهوم خاصی ندارد.در این راستا هدف سازمان کشورهای اسلامی‏1 OIC به هم نزدیک کردن کشورهای اسلامی و تلاش برای متحد کردن هرچه بیشتر این‏ کشورها است.

اعضای سازمان مزبور از این قرار است:افغانستان،آلبانی،الجزایر، آذربایجان،بحرین،بنگلادش،بنین، برونئی،بورکینافاسو،کامرون،چاد، جزایر کومور،جیبوتی،مصر،امارات متحده‏ عربی،گابون،گامبیا،گینه،گینه-بیسائو، اندونزی،ایران،عراق،اردن،کویت، قرقیزستان،لبنان،لیبی،مالزی،مالدیو، مالی،موریتانی،مراکش،نیجر،نیجریه، عمان،پاکستان،فلسطین،قطر، عربستان سعودی،سنگال،سیر الئون، سومالی،سودان،سوریه،تاجیکستان، تونس،ترکیه،ترکمنستان،اوگاندا،یمن و زئیر

شرایط اقتصادی و اجتماعی‏ کشورهای اسلامی

60 درصد از وسعت جهان به کشورهای‏ در حال توسعه تعلق دارد و 40 درصد بقیه‏ شامل کشورهای صنعتی می‏شود.در این‏ میان 19 درصد از وسعت جهان را کشورهای اسلامی تشکیل داده است. کاربرد تسهیلات تکنولوژیکی جدید در این کشورها بسیار محدود است.برای‏ مثال در سال 1992 تعداد تراکتورهای 47 کشور اسلامی کمتر از 5/1 میلیون فقره‏ بوده است(5 درصد شاخص کلی جهان که‏ نصف آن به ترکیه تعلق دارد.)از آن‏جا که نیمی از کشورهای اسلامی از گرسنگی‏ رنج می‏برند و در شرایط فقر زندگی‏ می‏کنند مجبورند منابع بیشتری را به‏ بخش کشاورزی اختصاص دهند.آمار نشان می‏دهد که تا سال 1992 جمعیت‏ جهان بیش از 5/5 میلیارد نفر بود که 5/4 میلیارد یا در واقع 82 درصد آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی میکردند. قابل توجه این است که اگرچه آمار رسمی‏ جمعیت 47 کشور OIC بیشتر از 1/1 میلیارد در سال 1992 بوده ولی با اضافه‏ شدن جمهوریهای تازه استقلال یافته‏ آسیای میانه و جمعیت مسلمانان‏ کشورهای غیر عضو مانند هند،روسیه، چین و سایر نقاط جهان این رقم به بیش‏ از 5/1 میلیارد نفر می‏رسد.

تخمین زده شده است که جمعیت‏ مسلمانان تا سال 2025 به 3 میلیارد نفر برسد.این بدان معنی است که مسلمانان‏ در کمتر از سه دهه یک سوم جمعیت‏ جهان را تشکیل خواهند داد.آمار جدید نشان می‏دهد که کشورهای اسلامی‏ مبارزه با بیسوادی را در اولویت قرار می‏دهند.در حال حاضر 46 درصد کل‏ مسلمانان جهان خواندن و نوشتن‏ نمی‏دانند.در نتیجه 450 میلیون نفر از بیسوادی رنج میبرند.درامد سرانه‏ کشورهای صنعتی بیش از 15000 دلار آمریکا در سال 1992 بوده،درحالی‏که‏ این رقم در کشورهای اسلامی که‏ کشورهای تولیدکنندهء نفت را هم شامل‏ می‏شود 2000 دلار بوده است.تحلیلهای‏ دیگر نشان می‏دهد که در بین کشورهای‏ اسلامی تنها 4 کشور تولیدکننده نفت‏ (برونئی،امارات متحده عربی،قطر و کویت)از درآمد بالائی برخوردارند و بقیه‏ هفت کشور تولیدکننده نفت(عربستان‏ سعودی،بحرین،عمان،لیبی، مالزی،ایران،الجزایر)از سطح متوسط در آمد برخوردار هستند.30 کشور باقی مانده‏ که درآمد سرانه پائینتری دارند،جزء فقیرترین کشورهای جهان هستند.درآمد سرانه آنها کمتر از 500 دلار امریکاست. به رغم وضعیت اقتصادی و منابع مالی‏ محدود،مقامات کشورهای اسلامی بیشتر اهداف نظامی و دفاعی را در اولویت قرار می‏دهند.آمار سازمان ملل در سال 1990 نشان می‏دهد که کشورهای صنعتی 9 درصد از هزینه‏های دولت را برای امور دفاعی،1 درصد آموزش و پرورش،13 درصد برای بهداشت و درمان و 40 درصد را برای رفاه عمومی در نظر گرفته‏اند.این‏ نسبتها،برای کشورهای اسلامی به‏ ترتیب 18 درصد،11 درصد،3 درصد،و 6 درصد بوده است.سهم تجارت جهانی 47 کشور اسلامی از 8 درصد تجاوز نکرده‏ است.

بدهی‏های بانکی کشورهای اسلامی‏ در سال 1993 حدود 500 میلیارد دلار بوده‏ است(30 درصد کل جهان).بنا به‏ آمارهای بانک جهانی میزان بدهیهای‏ خارجی کشورهای اسلامی دو سوم ارزش‏ تولید ناخالص ملی بوده است.(بیشتر آن‏ مربوط به گینه بیسائو با 325 درصد و کمترین آن مربوط به ایران با 11 درصد است.)

چشم‏انداز کلی سازمانهای‏ بین المللی اسلامی برای‏ گسترش همکاریهای‏ اقتصادی

90 درصد از کشورهای اسلامی آزادی‏ خود را بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم‏ بخصوص سالهای 1950 تا 1965 پس از قرنها سلطهء انگلستان،فرانسه و ملل‏ اروپائی به دست آورده‏اند.ملل اسلامی در سطح وسیعی از جهان استقرار یافته‏اند:از سنگال در غرب افریقا تا اندونزی در خاور دور،از آلبانی در شمال تا اوگاندا و یمن در جنوب بین این چهار سمت 51 کشور قرار گرفته‏اند که 23 کشور در آسیا و 28 کشور در افریقا قرار دارند.95 درصد درآمد خارجی کشورهای تولیدکننده نفت متکی‏ بر تولیدات نفتی است.درحالی‏که 2 محصول عمده کشاورزی 90 درصد صادرات 28 کشور اسلامی را تشکیل‏ می‏دهد.بنابر گزارش موسسات بین المللی‏ سازمان کنفرانس اسلامی و بانک توسعه‏ اسلامی تقریبا2 IDB همه طرحهای‏ همکاری براساس سطوح منطقه‏ای و شبه‏ منطقه‏ای و همسایگی استوار است.

اسناد رسمی حاکی از آن است که 115 نهاد در منطقه OIC تاسیس شده است که‏ تا حدی برای افزایش توسعه اقتصادی- اجتماعی از طریق همکاری با سیار ملل و تا حدی برای تصویر اندیشه‏های بهتر بین المللی و برآورد نیازهای دولتهای‏ غربی و موسسه‏های مالی طی چهار دههء گذشته فعالیت می‏کنند.

مقر این نهادها بشرح زیر است.

آفریقا 17

آسیا 13

مناطق عربی 26

سازمانهای بین المللی اسلامی 20

سازمان ملل 24

سایر بخشها 15

جمع‏بندی 115

تحلیل عمیق‏تر از این نهادهای فعال‏ نشان می‏دهد که یک سوم انها عمدتا با امور توسعه اقتصادی و تجاری کشورهای‏ عضو OIC مربوط است.بقیه این نهادها با توسعه کلی اقتصادی،مالی،تجاری و فعالیتهای توسعه‏طلبانه‏ای همچون‏ گسترش روابط با کشورهای غیر عضو ارتباط دارد.تاکید بر همکاریهای‏ اقتصادی در برخی از کشورهای اسلامی‏ به خصوص کشورهای عربی در اوایل دهه‏ 1950 آغاز گردید.بلافاصله پس از آن‏ تشکیل کمیسیون اجتماعی و اقتصادی‏ سازمان ملل برای آسیا در سال‏ 1947،اتحادیه کشورهای‏ عربی‏3( LAS )و شورای اجتماعی و اقتصادی عرب‏4( AESC )در سال‏ 1950 تاسیس شد.در پی آن مجمع‏ اقتصادی افریقای غربی در سال 1959، سازمان وحدت افریقا(1963)،بانک‏ توسعه افریقا5( 1963-AFDB )،بازار مشترک عرب(1964)،شورای وحدت‏ اقتصاد عرب(1964)سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی عرب(1964)، گمرکات افریقای مرکزی و وحدت‏ اقتصادی(1964)،سازمان همکاریهای‏ اقتصادی(1964)و بالاخره سازمان‏ کنفرانس اسلامی(1969)تاسیس گردید. گروه دوم سازمان منطقه‏ای و شبه‏ منطقه‏ای برای توسعه همکاریهای‏ اقتصادی در منطقه OIC از سال 1970 تا 1980 به خصوص در مناطق عربی و افریقائی اتفاق افتاد.طی این سالها 23 سازمان عمدتاء در خاورمیانه و افریقای‏ شمالی که قیمت‏های نفت نقش مهمی را ایفا می‏کنند تشکیل شد.هدف گروه سوم‏ نهادهای تاسیس شده،دادن خدمات‏ بیشتر در سطح بین المللی بود تا در منطقه‏ای محدود.

سخن اینجاست که کشورهای عضو OIC باهم تبادل کالای اندکی دارند.پند اصلی اسلام حمایت و پشتیبانی جوامع‏ مسلمانان است.این کشورها که با فرو پاشی کمونیسم و الحاق مسلمانان توسعه‏ یافته است،نیاز به یک بازار مشترک دارند که تمامی تلاش خود را به نمایش‏ بگذارند و در نتیجه تقاضاهای یکدیگر را پاسخ گویند.این بازار نیز می‏تواند نقش‏ مهمی را در سیستم بازاریابی و ارائه‏ خدمات و تولیدات برتر ایفا کند.